

گرد همایی "زمین"

ششمی

برای جلوگیری از

فاجعه

اجلاس عظیم محیط زیست و توسعه که در روزهای ۱۴ تا ۲۴ خرداد ماه جاری در ریودوژانیرو، برگزار شد را می توان یکی از مهمترین رخدادهای سالیان اخیر دانست. این کنفرانس که به ابتکار سازمان ملل و با همکاری وسیع سازمان های بین المللی حفظ محیط زیست، با شرکت بیش از ۱۲۰ تن از سران دول مختلف، حدود ۱۵۰۰۰ مهمان، دانشمند، روزنامه نگار و نماینده از ۱۷۵ کشور جهان برگزار گردید. مطرح کردن امکان يك توافق همه جانبه بین المللی در مورد موضوعات مهمی چون مناسبات بازرگانی و بدهی ها، جنگل های استوایی، گرمی جهان و بحران جمعیت این پتانسیل را دارا می باشد که نقطه عطفی در روند توسعه بشری قلمداد گردد.

موريس استرانگ، برگزار کننده گردهمایی "زمین" و یا صحیح تر گفته شود "کنفرانس سازمان ملل پیرامون محیط زیست و توسعه" هدف گردهمایی را پیدا کردن راه عملکرد مشترک همه جهانیان جهت تامین ادامه حیات در کره زمین و فراهم آوردن آینده ای تحمل پذیرتر برای ساکنین آن بر پایه

ادامه در ۴ و ۵

عقب ماندگی فرهنگی

و فقر نظری

در پوشش "نواندیشی"

سخنی با دست اندرکاران نشریه "کار"

ص ۶ و ۷

در دیگر صفحات:

"نگاهی به

گزارش سازمان ملل" ص ۸

پیام همبستگی حزب مترقی

زحمتکشان قبرس (آکل) ص ۸

اطلاعیه

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (پاریس)

دولت جمهوری اسلامی ایران طی هفته های اخیر، تظاهرات مردم به جان آمده از فشار و فساد و بی قانونی را، در شهرهای شیراز، اراک و مشهد وحشیانه سرکوب کرد. در پی این حوادث، صدها تن دستگیر شدند و عده ای هم در دادگاههای در بسته به اصطلاح محاکمه و به مرگ محکوم گردیدند و احکام اعدام دربارہ آنان به مورد اجرا گذاشته شد.

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، ضمن اعتراض به این اعمال قساوت آمیز از مراجع بین المللی دفاع از حقوق بشر، به ویژه نماینده ویژه کمیسیون

ادامه در ص ۲

اعدام، شلاق و سرکوب

پاسخ رژیم به اعتراضات وسیع مردم

افشای جنایات رژیم در روزهای اخیر، سازمان دادن همبستگی وسیع جهانی با انبوه دستگیر شدگان و تلاش در تشدید فشار بین المللی بر سران جمهوری اسلامی، خصوصا از طریق سازمان ملل متحد، از جمله زمینه های عملی مهم فعالیت هستند که در صورت اشتراك عمل نیروهای مختلف اپوزیسیون انعکاس وسیع و تاثیر بسیار مهمی در داخل و خارج از کشور خواهد داشت.

دادند که می بایستی همچون "علف هرزی" به دور ریخته شوند. ولی روزنامه های مجاز و از جمله روزنامه "کیهان" که درحال حاضر نقش بلندگوی رژیم را دارد، توانستند انکارکنند که بخش عمده ای از تظاهرکنندگان در برخورد های اخیر را، مردم به جان آمده تشکیل می دهند. روزنامه "کیهان" در ارزیابی خود اکثر شرکت کنندگان را "مردم به ستوه آمده و بی دادرسی ... کودکان و نوجوانان ... گرسنگان و لگردد ... و یک گروه صد نفری مسلح" اعلام کرد.

روزنامه "سلام" نیز در تفسیر خود پیرامون حوادث اخیر نوشت:

"تقریبا نوعی اتفاق نظر یا حداقل شهرت نظر وجود دارد که سیاست های اقتصادی عامل اصلی ایجاد چنین زمینه هایی است..."

ارزیابی علل پیدایش این برخوردها و اوج گیری ناراضیاتی مردم کار چندان دشواری نیست. کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و آزادی های

ادامه در ص ۲

اوضاع ناآرام و پرتشنج در کشور ادامه دارد. تظاهرات دانشجویان در تبریز، اعتراضات پراکنده در تهران و اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان، در ادامه اعتراضات وسیع مردم در شهرهای مشهد، اراک، ایزده و هفتکل از یک طرف و موج وسیع دستگیری ها و اعدام ها در مشهد و شیراز در کنار سخنان تهدیدآمیز رئیس قوه قضائیه و رئیس جدید مجلس، تصویر بسیار نگران کننده ای برای همه مردم کشورمان پدید آورده است.

برگزاری مانور بزرگ "القارعه"، با شرکت دوازده هزار بسیجی در غرب تهران، یورش مجدد به زنان و دستگیری آنان تحت عنوان "طرح مبارزه با مفاسد اجتماعی" و آماده باش نیروهای سرکوبگر رژیم در سراسر ایران و خصوصا شهرهای بزرگ، حاکی از نگرانی شدید سران جمهوری اسلامی از اوج گیری ناراضیاتی و برخوردهای وسیع ماموران حکومتی با مردم است.

سران رژیم و از جمله، "ولی فقیه" ماجراهای اخیر را به "اراذل و اوباش" نسبت

نام

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۷۸، دوره هفتم،

سال هشتم، ۲ تیر ۱۳۷۱

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

اعدام، شلاق و سرکوب ...

سیاسی - فردی، زمینه ساز اصلی اوضاع ناپسaman کنونی است.

آنچه که علیرغم همه این مشکلات و مشکلاتی که بر مردم می رود برای سران رژیم جمهوری اسلامی اهمیت حیاتی دارد همانا ادامه حکومت به هر قیمت می باشد. سرکوب وحشیانه اعتراضات، به راه انداختن "دادگاههای انقلاب اسلامی" و سرهمبندی کردن محاکماتی که حتی با قوانین جمهوری اسلامی در تضاد است و سپس صدور حکم اعدام برای اشخاصی که از حق داشتن وکیل مدافع و دفاع از خود محروم بوده اند، حدود و ثغور "عدالت" در نزد سران رژیم را بار دیگر در مقابل جهانیان به نمایش می گذارد. ماسک های "میانه روی"، "اعتدال" و "دوری جستن از تندروی های سال های نخست" که به محورهای "کلیدی" دولت هاشمی رفسنجانی در تلاش برای برقراری روابط با کشورهای غربی تبدیل شده بود، جای خود را با احکام اعدام، شلاق و زندانی کردن صدها نفر انسان بیگناه، که تنها جرمشان به قول روزنامه "کیهان" "به ستوه آمدن" از شرایط حاضر و "گرسنه" و بی جا و مکان بودنشان است، عوض می کند. و حکومت آغاز دوران نوینی از سرکوب را به مردم وعده می دهد.

تغییر مواضع رژیم به روشنی حکایت از شکست سیاست هایی است که گروه حاکم در پیش گرفته بود. بازگشت به دوران بگیر و ببندها و اعدام ها به منظور ایجاد جو رعب و وحشت در میهن ما کارایی خود را از دست داده است. چنین رویه حکومتی تنها به گسترش جو

نارضایتی که عمدتاً بدلیل فشار شدید اقتصادی بر میلیونها انسان و عدم وجود امنیت اجتماعی - اقتصادی در کشور است، منجر خواهد شد.

تشدید فشار بر مردمی که در سیزده سال گذشته در همه عرصه های زندگی مورد تعرض و آزار جمهوری اسلامی قرار داشته اند، آتش ناآرامی را بی شک تشدید خواهد کرد. اثر این بگیر و ببندها و تهدیدهای سران رژیم تنها می تواند برای دوران کوتاهی آرامش را برقرار نماید. ولی در کشوری که در ۱۳ سال گذشته صدها هزار انسان را به دلایل گوناگون، از جنگ گرفته تا مخالفت با جمهوری اسلامی، به نابودی کشانده اند، نمی توان با تهدید مردم به جان آمده به مرگ، آتش مخالفت را خاموش ساخت.

اوضاع کشور به دیگ بخاری می ماند که هر چه در آن را محکم تر ببندند، امکان انفجار شدید آن قطعی تر می شود. اتفاقاً آقای رفسنجانی و شرکا براساس چنین ارزیابی بود که پس از مرگ خمینی تصمیم بر ایجاد برخی تغییرات، هر چند سطحی، در شیوه اداره کشور گرفتند.

شکست این سیاست رژیم که با یورش جناح حاکم به مخالفان در مجلس شروع شد و با برگزاری نمایش انتخابات به اوج خود رسید، قطعاً عوارض بسیار سنگینی برای سرمداران رژیم در بر خواهد داشت.

به نظر ما، در چنین شرایطی مبارزه مشترک و گسترده همه نیروهای مترقی، و طرفدار آزادی در کشور ما ضرورتی است که می بایستی هرچه زودتر جامعه عمل بپوشد. عدم وجود یک آلترناتیو منسجم، فراگیر و مترقی در مقابل رژیم "ولایت فقیه" از عواملی است که در مجموع در جهت تضعیف جنبش مردمی عمل می

کند. کنار گذاشتن مخالفت هایی که در شرایط کنونی از اهمیت جدی برخوردار نیستند و ایجاد ائتلاف وسیعی از نیروها می تواند دورنمای روشنتری را در مقابل مردم به جان آمده ایجاد کند و رژیم را هرچه بیشتر در تنگنا قرار دهد.

ما بار دیگر اعلام می کنیم که زمان یافتن زبان مشترک و برپایه آن سازماندهی مشترک برای مبارزه در راه رهایی کشور از اوضاع ناپسaman و رقت بار کنونی دیرگاهی است که فرا رسیده است. هرگونه تاخیر در این امر خطیر تنها به ادامه حکومت استبداد در کشور ما خدمت خواهد کرد. تجربه دردناک انقلاب بهمن و عدم آمادگی نیروهای مردمی - مترقی در هدایت و گسترش جنبش عظیم مردم ما برای آزادی و استقلال فاجعه غم انگیزی بود که اثرات آن تا به امروز زندگی میلیونها انسان در کشور ما را تپاه کرده است.

قبول اصل پلورالیسم سیاسی و احترام به دیدگاههای مخالف و مختلف در صورتیکه از طرف همه نیروهای سیاسی - مترقی کشور پذیرفته شود، گام مهمی است در راه ایجاد زمینه عینی برای گسترش و سازماندهی مبارزه در درون کشور.

افشای جنایات رژیم در روزهای اخیر، سازمان دادن همبستگی وسیع جهانی با انبوه دستگیر شدگان و تلاش در تشدید فشار بین المللی بر سران جمهوری اسلامی، خصوصاً از طریق سازمان ملل متحد، از جمله زمینه های عملی مهم فعالیت هستند که در صورت اشتراك عمل نیروهای مختلف اپوزیسیون انعکاس وسیع و تاثیر بسیار مهمی در داخل و خارج از کشور خواهد داشت.

تکرار تهوع آور وعده های

فریبنده ۱۴ ساله

دادستان کل کشور؛ دادگاههای ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی به ثروت های نامشروع سرمایه داران رسیدگی خواهند کرد و این اموال را به صاحبان اصلی آنها باز گردانیده می شود. رسیدگی به این ثروت ها که ناشی از ربا، فروش اراضی دولتی و ملی و اختلاس در بدم و قبیل از انقلاب می شود، در راستای اصل ۴۹ قانون اساسی انجام می شود." (کیهان - ۳۰ تیر ۷۱)

مظفر

با "ز" یا با "ظ"؟

"حجت الاسلام کروی ضمن تشکر از کلیه نمایندگان گفت، من که مدیر مجلس هستم از آنهایی که

در
مطبوعات
مجاز

عدم صلاحیتشان اعلام شد عذر خواهی می کنیم که ما هم نتوانستیم کاری بکنیم و از این حقوق اجتماعی آنها دفاع کنیم و این لکه برای ما ماند. من هیچ چیز نکفتم ولی این يك کلمه را می گویم که دلیلش را ما خواستیم ولی گفته نشد... يك نفری بود نیرومند و قدر کاری که می گفت همه انجام می دادند هر کاری می گفت و حتی کار بی منطق می گفت... يك وقت خلاصه يك نامه ای نوشت. و در آن مظفر را به "ز" نوشت گفتند آقا مظفر با "ظ" است گفت باید از این به بعد دستور بدهید مظفر را

اطلاعیه

جامعه دفاع از ...

حقوق بشر سازمان ملل متحد، درخواست می کند که به اعزام يك هیئت تحقیق به ایران، به منظور بررسی وقایع اخیر دست یازند. هم اکنون جان صدها تن از مردم بی گناه در معرض خطر است و هر روز تاخیر در گسیل این هیئت به بهای حیات عده ای از دستگیرشدگان تمام خواهد شد.

جامعه دفاع از

حقوق بشر در ایران

(پاریس)

۲۰ خرداد ۷۱

با "ز" بنویسند، گفتند، بابا نمی شود. گفت: چرا می شود حالا بهر جهت بعدها در ارزیابی نتیجه مظفر با "ز" نوشتند. انشالله می نشینیم تا ببینیم چه جوری می شود."

(سلام - ۱۱ خرداد)

مادران و کودکان زندانی،

پاژهم نمونه ای از

"عظوفت اسلامی" حضرات

دادستان کل انقلاب اسلامی در پایان دیدار خود از کردستان، طرح ایجاد مهد کودک در زندانهای کشور تحت بررسی است... برای اولین بار این طرح در بندر عباس اجرا شد و استان کردستان در ردیف هفتمین استانی است که از امکانات مهد کودک برخوردار خواهد شد!" (کیهان - ۳۰ تیر ۷۱)

رقای گرامی!

سخنرانی نماینده حزب توده ایران در چهارمین نشست
احزاب کمونیستی و کارگری، منطقه مدیترانه،
دریای سرخ و خاور میانه

اجازه دهید تا در ابتدای سخن تشکر خود را از رقای حزب کمونیست یونان که این اجلاس مهم را میزبانی می کنند، اعلام دارم. مدت زمان طولانی از نشست قبلی ما می گذرد و در طی این مدت تحولات عظیمی نقشه سیاسی جهان را بشکل بارزی دگرگون ساخته است. این تحولات اثرات فوق العاده عمیقی بر زندگی مردم جهان و خصوصا مردم منطقه ما برجای گذاشته است.

بررسی همه جانبه، عمیق و منطقی این تحولات، که مهمترین آنها، فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و از هم پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی است، به یکی از مهمترین وظایف سیاسی - ایدئولوژیک نیروهای مترقی و خصوصا جنبش کمونیستی در سراسر جهان بدل شده است.

دستگاه عظیم تبلیغاتی سرمایه انحصاری، نظریه پردازان بورژوازی و حتی برخی از نیروهای چپ، خوشحال از این تحولات، پایان سوسیالیسم و بی ارزش شدن پایه های ایدئولوژیک آن را اعلام کرده اند. این نیروها به ما می گویند که دفاع از سوسیالیسم، دفاع از عقب ماندگی است و این "نظرات کهنه شده" چیزی جز دگم های "استالینیستی" نیست. به ما می گویند که پیروزی نهایی سرمایه داری بر سوسیالیسم به مفهوم جهانی امن تر و آغاز "نظم نوین جهانی" است.

رقای عزیز!

بنظر ما و بدون در نظر گرفتن تبلیغات امپریالیسم، مجموعه سؤال هایی که بدنابل سقوط سیستم جهانی سوسیالیسم پدید آمده است، مسایل بسیار جدی با تاثیرات بسیار عمیق برای بشریت است. پاسخ علمی و قانع کننده به این پرسش ها ضرورتی است که ما می بایست انجام دهیم تا بتوانیم این شرایط دشوار را با موفقیت سپری کنیم.

حزب ما مانند بسیاری از احزاب کمونیست دیگر در سراسر جهان، بطور جدی از این وقایع تاثیر پذیرفت. سئوالات بسیار جدی پیرامون اساسی ترین پایه های ایدئولوژیک - نظری ما و چگونگی تکامل این نظرات در درون حزب مطرح گردید. دوران نسبتا طولانی از بحث و برخورد عقاید در درون حزب، زمینه لازم برای برگزاری سومین کنگره که در آن برنامه و اساسنامه نوین حزب به تصویب رسید را فراهم آورد.

برگزاری سومین کنگره پس از گذشت ۴۳ سال مبارزه دشوار و پیچیده که اکثر آن در شرایط دشوار احتتاق پلیسی و ترور سازماندهی شده بود و خصوصا پس از یورش جمهوری اسلامی که منجر به نابودی گروه عظیمی از رهبری حزب ما گردید، به خودی خود دستاورد بزرگی در تاریخ حزب توده ایران است. سومین کنگره ما پس از بررسی این

تحولات به برخی نتایج اولیه در این عرصه ها رسید. در زمینه ایدئولوژیک، کنگره با تاکید بر این امر که مارکسیسم علم است و نه مجموعه ای از نسخه های دگم و مذهب گونه، اعلام کرد مسایل کلیدی که مارکس، انگلس و لنین پیرامون چگونگی پیشرفت جوامع بشری و چگونگی تحول صورتبندی های اجتماعی - اقتصادی اعلام کرده اند و برخورد دیالکتیکی ما به جهانی که در آن زیست می کنیم تا به امروز همچنان معتبر بوده و هیچیک از تحولات کشورهای اروپای شرقی این پایه های اساسی را به زیر علامت سؤال نبرده است. تحول جوامع بشری از برده داری به فئودالیسم و سپس به سرمایه داری تا به امروز معتبرترین نظریه ای است که این تحولات در جهان ما را توضیح می دهد. نظریه علمی دیگری و یا توضیحی موجود نیست که اثبات کند این روند تکاملی اکنون متوقف گردیده است و بنابراین صورتبندی سرمایه داری ابدی است.

تحولاتی که در اروپای شرقی به وقوع پیوست، نشان داد که تلاش برای ایجاد یک جامعه برتر از سرمایه داری در این مقطع بنا بر دلایل مختلف داخلی و خارجی با موفقیت کامل روبرو نگردید.

بنظر ما از جمله دلایلی که می توان برای این ناکامی برشمرد عبارتند از: کمبودهای جدی در ساختمان جامعه سوسیالیستی، عدم پیشرفت در ایجاد ساختارهای دموکراتیک، رشد بوروکراسی در دولت و زندگی حزبی، اقتصاد ملی بیش از حد متمرکز و سالهای طولانی جنگ سرد تحمیلی امپریالیسم و مسابقه تسلیحاتی که امکانات عظیمی را از این کشورها دریغ کرد.

کشورهای سوسیالیستی در عمل نتوانستند به قول هایی که به مردم کشورشان و مردم در سراسر جهان داده بودند، عمل کنند. و این مسئله وسیله مناسبی را برای یورش امپریالیسم به این کشورها اعلا نمود.

روندی که با تغییر رهبری در حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۵ بنام "پروستریکا" و "گلاسنوست" و باهدف "سوسیالیسم بیشتر" و "دموکراسی واقعی" برای مردم آغاز گردید، منجر به بازگشت ساختارهای عقب مانده اجتماعی - اقتصادی، آنارشی و خشونت های ملی و قومی که تمامی جامعه را با خطر نابودی مواجه ساخته است، گردید.

تاریخ بی شک پیرامون کسانی که این روند را برای دست یابی به منافع شخصی آغاز کرده و به مردم کشورشان و نیروهای ترقی خواه در سراسر جهان دروغ گفتند، سخت

قضات خواهد کرد. این حقیقت که اکثر کسانی که تا این اواخر به نام کمونیست ناب بر کرسی های قدرت تکیه زده بودند، اکنون جزو ضد کمونیست ترین افراد کشورشان هستند، به خودی خود نشانگر ماهیت واقعی این افراد و خیانت آشکار آنها به باور و اعتقادات مردم شان است.

کارزار ضد کمونیستی که هم اکنون در این کشورها با موافقت کامل غرب در جریان است و تا حد غیر قانونی کردن احزاب کمونیستی جلو رفته است، نیز ماهیت و حدود و ثغور "دموکراسی" مستقر شده در این کشورها را نشان می دهد.

رقا!

برای اکثریت مردم جهان و خصوصا کسانی که در کشورهای عقب مانده نظام سرمایه داری زندگی می کنند، ماهیت حقیقی سیستمی را که با پوست و گوشت خود احساس کرده اند، روشن است. میلیونها انسان غیر سفید پوست، و فقیر در آمریکا، میلیونها بیکار در سرتاسر کشورهای اروپایی و میلیونها انسان که روزانه در آسیا، آفریقا و آمریکای مرکزی در خطر مرگ از گرسنگی قرار دارند، به دلایل فراوان نیازی برای پی بردن به ماهیت وحشی و غیر انسانی سرمایه داری که در آن شخصیت انسانها و عدالت اجتماعی جایی ندارد، ندارند. دقیقا بخاطر این مشخصه ها و آرزوی جاودانه بشریت برای دستیابی به برابری، صلح و امنیت است که نیروی عظیمی برای تحول در جهان را پدید می آورد. مارکس بدرستی پیش بینی کرد که سرمایه داری چنان نیروهایی را در درون خود آزاد می کند که قادر به کنترل آنها نخواهد بود.

رقای عزیز!

در طی این سالها تحولات مهمی در کشور ما و منطقه بوقوع پیوسته است. مرگ خمینی و جنگ قدرتی که پس از او آغاز گردید، تغییرات مهمی را در کشور ما پدید آورده است که در روند کار کنگره سوم حزب مورد بررسی دقیق قرار گرفت.

رهبران مذهبی، به رهبری رفسنجانی و خامنه ای که قدرت را پس از خمینی بدست گرفتند، خیلی زود دریافتند که ادامه حکومت به شیوه خمینی امکان پذیر نیست. آنها اقداماتی را سازمان دادند که هدفش تخفیف

گرد همایی "زمین"



برای جلوگیری از فاجعه

برابر حقوقی ملت‌ها اعلام کرد.

سخنرانیهای اصلی مراسم افتتاحیه گرد همایی، معرف درک برگزار کنندگان کنفرانس از اهداف و سمت و سوی آن می باشد. پرزیدنت فرناندو کولوردملو، رئیس جمهور برزیل، در سخنرانی خود "گرد همایی زمین" را "نقطه عطفی در تاریخ بشریت و پایان دوره ای که کورکورانه به از بین رفتن حیات در روی زمین منجر می شد"، دانست. دبیر کل سازمان ملل، آقای پطروس گالی در سخنرانی افتتاحیه خود با اشاره به پیشرفت های بشر در طول سالیان در رام کردن تدریجی طبیعت نامتناهی به بررسی مشکلات پیش روی انسان در جهان محدودی که در آن زندانی است، پرداخت. او از موارد جنجال برانگیز مذاکرات طولانی پیش از گرد همایی سخن گفت. یکی از این موارد، کنوانسیون "تنوع بیولوژیکی" می باشد که نمایشگر نقطه عطفی در حفاظت از انواع مختلف حیات در روی زمین می باشد.

نخست وزیر نروژ از ناگزیر بودن "ترتیب مهمترین گذار جهانی از زمان انقلاب های کشاورزی و صنعتی" سخن گفت. او این مرحله را "گذار به توسعه قابل ادامه" نامید. او گفت "بخواهید یا نخواهید، از اینجا به بعد همه ما در این مسیر باهم هستیم، ثروتمند، فقیر، شمال و جنوب". او با اشاره به پیوند تنگاتنگ همه جهان اعلام کرد: "هیچ نقطه ای در روی کره زمین نمی تواند یک جزیره رفاه در میان دریایی از بدبختی باشد، ما یا خواهیم توانست که همه جهان را نجات بدهیم و یا اینکه هیچ کس جان سالم بدر نخواهد برد".

گزارش خبرگزاری های جهان در مورد موضع گیری کشورهای مختلف این باور عمومی را تقویت می کند که موفقیت کامل اجلاس در گروه پیدا کردن راه حل اصولی ای برای فائق آمدن بر تضادهای بین کشورهای ثروتمند سرمایه داری "شمال" و کشورهای فقیر جهان سوم "جنوب" و تعاونهای طبقاتی گوناگون بین این کشورها می باشد.

کنفرانس ریودوژانیرو، اولین گرد همایی جهانی بود که عدم حضور یک گروه قدرتمند کشورهای سوسیالیستی به نحو بارزی در آن مشاهده شد. در سالیان اخیر کشورهای غیر متعهد و ترقی خواه در جهان سوم بطور فزاینده ای در معرض تهاجم ارزش های سرمایه داری تدوین شده از سوی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و دیگر نهادهای توسعه سازمان ملل قرار گرفته اند.

دکتر محبوب الحق، مشاور عالی برنامه های توسعه سازمان ملل اخیرا بطرز آشکار مطرح کرد که، "جنگ سرد پایان یافته است، اما نباید اجازه داد که جنگ طبقاتی که طولانی و سبعانه می باشد روی دهد" در مقابله با خطر چنین امکان خطرناکی است که نخست وزیر نروژ که از رهبران کنفرانس سازمان ملل برای محیط زیست و توسعه می باشد، اخیرا در لندن اعلام کرد، "ریو امکان می دهد که از وقوع هرج و مرج و برخورد، که در صورت عدم

برگزاری آن ممکن است تحقق یابد، جلوگیری نمائیم".

گرد همایی "زمین" در ریودوژانیرو پیش از پیش مشخصات صحنه یک درگیری واقعی را بخود گرفته است. از یکسو رهبران کشورهای در حال رشد معتقدند که بار سنگین شرایط تحمیلی داد و ستد های بین المللی بر دوش آنها گذاشته شده است و می بایست تعدیل یابد و از سوی دیگر رهبران کشورهای توسعه یافته سرمایه داری که بهترین نمونه آن را باید جرج بوش، (رئیس جمهور آمریکا) دانست که تا آخرین لحظات قبل از عزیمت بسوی برزیل برای شرکت در گرد همایی اعلام می داشت که اگر امضای کنوانسیون های ریو موفقیت اقتصادی آمریکا و کمپانی های آمریکایی را به مخاطره اندازد آنها را امضا نخواهد کرد. وی حتی در مرحله ای تهدید کرد که به ریو نخواهد رفت. علیرغم مواضع منفی اعلام شده از سوی کشورهای سرمایه داری اروپا و ژاپن در مورد کنوانسیون های اصلی مطرح در ریو، این امکان وجود دارد که به دلیل رقابت های اقتصادی موجود بین قطب های مختلف سرمایه داری جهانی، آلمان، ژاپن و انگلیس مواضع متفاوتی با آمریکا اتخاذ کنند. در قبال چنین رخدادی است که پرزیدنت بوش روز ۲ ژوئن ضمن شبیه دانستن گرد همایی "زمین" به یک سیرک، آلمان و ژاپن را مورد سرزنش قرار داد که تسلیم فشار شده اند. اساسا آمریکا در کنفرانس ریو کاملا منزوی شده است.

مخالفت اصلی آمریکا با کنوانسیون "تنوع بیولوژیک" می باشد که براساس آن کشورهای جهان فراخوانده شده اند که غنای تنوع گیاهان و حیوانات را در محدوده مرزهای جغرافیایی خود حفظ کنند. کنوانسیون مقرر می دارد که کمپانی های کشورهای توسعه یافته سرمایه داری که از ژن ها و مواد شیمیایی یافته شده در انواع حیوانات و گیاهان موجود در کشورهای جهان سوم بهره میبرند، بخشی از سود خود را با کشورهای میزبان تقسیم کنند. پرزیدنت بوش معتقد است که این به شرکت های آمریکایی فعال در عرصه دارویی و بیوتکنولوژیکی صدمه می زند و منجر به دادن قدرت زیادی به کشورهای جهان سوم در تعیین میزان کمک به منظور حفظ "تنوع بیولوژیک" می شود.

در مقابله با موضع منفی امارات متحده، جبهه وسیعی از کشورهای جهان سوم و سازمان های بین المللی حفاظت محیط زیست و نیز برخی کشورهای معتدل اروپایی تشکیل شده است معتقدند که بدون کمک مالی و تکنولوژیکی وسیع کشورهای سرمایه داری پیشرفته انتظار هرگونه اقدام اساسی در بهبود محیط زیست و توسعه متعادل جهان، عبث می باشد. دبیر کل فائو (FAO)، سازمان جهانی غذا و کشاورزی مطرح می کند که "چگونه می شود از مردم گرسنه توقع داشت که از منابع طبیعی و محیط زیست حفاظت کنند و نگران نسل های آینده باشند در حالیکه ادامه حیات خود آنان در معرض خطر است؟" فائو در بیانیه ای که خطاب به گرد همایی ریودوژانیرو منتشر کرد آنها فراخواند که "روی قتر و نابرابری های اجتماعی بتوان عوامل ریشه ای تخریب محیط زیست تمرکز کند". بیانیه این آژانس معتبر بین المللی متذکر شد که فقر، انهدام محیط زیست را بدرجه ای سرعت بخشیده است که ممکن است منابع طبیعی قادر به تامین غذای جمعیت جهان، که انتظار می رود در سال ۲۰۲۵ میلادی به ۸ میلیارد نفر افزایش یابد، نباشند. فائو تخمین می زند که هم اکنون یک میلیارد نفر از ساکنان زمین در فقر کامل زندگی می کنند، ۱۰٪ مردم جهان یعنی ۵۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه هستند و ۵۰ میلیون نفر در معرض قحطی قرار دارند.

با چنین برداشتی است که صاحب نظران بین المللی در ریو معتقدند که بحث واقعی پیرامون محیط زیست و رشد می باید عرصه هایی چون بدهی کشورهای جهان سوم، بازرگانی متقابل بین کشورها و نیز کمک به کشورهای جهان سوم را دربر بگیرد. در ریو رهبران سازمان های حفاظت محیط زیست سعی در متقاعد نمودن رهبران کشورهای توسعه یافته در برداشتن قدم های عملی در کمک تکنولوژیکی و مالی به جوامع در حال رشد داشتند. سخنگوی سازمان انگلیسی "دوستان زمین" اظهار می دارد که "گرد همایی زمین در ریو باید فرصتی برای بررسی عوامل فقر و انهدام محیط زیست باشد و نه پرداختن به عوارض آن. و باید بتواند با تعیین اهداف مشخص، زمانبندی و اختصاص منابع مالی کافی و برتر از هر خواست سیاسی به عملی کردن این اهداف بپردازد".

سخنرانی نماینده حزب توده ایران در چهارمین نشست احزاب کمونیستی و کارگری، منطقه مدیترانه، دریای سرخ و خاور میانه

اجرا در آوردن قطعنامه های شورای امنیت صورت نگرته است. ولی قطعنامه این شورا در مورد عراق مورد استفاده قرار می گیرد و هزاران انسان بی گناه که خود قربانی رژیم دیکتاتوری عراق بوده اند، به خاک و خون کشیده شوند.

هدف عمده این ماجراجویی نظامی نخست اثبات این نظریه بود که ایالات متحده و متحدان غربی آن از تمامی نیروی نظامی در صورتی که خطری "منافع حیاتی" را تهدید کند استفاده خواهد کرد. نیروهای مترقی در آمریکا به درستی این جنگ را جنگ نفت خواندند.

علیرغم قولهای دولت بوش مبنی بر اینکه پس از پایان این جنگ، صلح همه جانبه ای در منطقه با کمک آمریکا از طریق مذاکره پیاده خواهد شد و علیرغم آغاز مذاکرات صلح دولت اسرائیل با حمایت آمریکا نشان داده است که همچنان به سیاست های سلطه جویانه خود در منطقه ادامه خواهد داد و خیال پس دادن سرزمین های اشغالی را در حال حاضر ندارد. این موضع غیر قابل قبول علت عمده تشنج در خاورمیانه است که می تواند بار دیگر منطقه را در آتش جنگ فرو برد.

ما بر این باوریم که به رسمیت شناختن حقوق حقه مردم فلسطین برای دست یابی به دولت خود و اجرای قطعنامه های سازمان ملل متحد تنها راه حل دمکراتیک برای استقرار صلح پایدار در منطقه ما می باشد.

رقای عزیز!

جنبش های راهی بخش در منطقه ما دوران سختی را از سر می گذرانند. همکاری نزدیک تمامی نیروهای مترقی در منطقه بر این اساس از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ما می بایست همه تلاش خود را معطوف گسترش و بهبود این تماس ها و هماهنگ نمودن مبارزه در منطقه نماییم. برگزاری منظم این نشست ها گام مهمی در این راه است. ما به گرمی از این ابتکار استقبال کرده و امیدواریم در شرایط بحران جهانی و دشواری هایی که با آن مواجه هستیم، این اقدامات گسترش هر چه بیشتری بیابد.

جنبش کمونیستی و مترقی در منطقه ما و سراسر جهان، بیش از هر زمان دیگری احتیاج به وحدت عمل، و هماهنگی برای ارائه یک برنامه روشن و منطقی دارد. ما اطمینان داریم که جنبش جهانی کارگری قادر خواهد بود تا این وظیفه تاریخی را به انجام برساند.

"بنیادگرایی اسلامی" گذشته و تصویر نمودن سیمای "میانه روی" برای راضی نمودن غرب بود. بر اساس این سیاست، بخش عمده ای از جناح "تندرو" در طی مدت نسبتا کوتاهی از ساختارهای حکومتی پاکسازی شدند. هدف دیگر این اقدامات آرام نمودن اوج گیری نارضایتی مردم علیه رژیم و سیاست های عقب مانده آن در عرصه های اجتماعی - اقتصادی بود. مردم کشور ما روزانه از سیاست های مخرب رژیم که تنها هدفش باقی ماندن در حکومت با استفاده از هر شیوه ای است، رنج می برند. انتخابات اخیر به روشنی نشان داد که مردم از سیاست های حکومت بشدت ناراضی و به قول های حکومت اعتقادی ندارند. شرکت فوق العاده اندک مردم در انتخابات حتی براساس آمار رسمی دولتی (بعنوان نمونه در تهران تعداد شرکت کنندگان نسبت به ۸ سال پیش نیم میلیون نفر کاهش یافته بود) و تبلیغات آشکار انتخاباتی توسط مقامات رسمی که توسط جناح مخالف افشا گردید، به روشنی بحران عمیقی که سر تا پای رژیم را فراگرفته است به نمایش می گذارد.

حزب ما با در نظر گرفتن شرایط فعلی، به این نتیجه رسید که مبارزه نیروهای اپوزیسیون می بایست متوجه ایجاد یک ائتلاف وسیع از همه نیروهایی گردد که بخاطر دمکراسی و پیشرفت و نیز رفهم و طرد رژیم "ولایت فقیه" مبارزه می کنند.

ما بر این باوریم که زیر فشار رشد یابنده مردم برای تحصیل دمکراسی، آزادی احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات در کنار مبارزه زحمتکشان کشور و میلیونها انسانی که در فقر زندگی می کنند (۲۲ میلیون براساس آمار رسمی) برای عدالت اجتماعی، شرایط برای تغییرات چشمگیر در جامعه ما فراهم خواهد آمد.

رقا!

چند سال گذشته، سالهای پر حادثه ای در منطقه ما بوده است. جنگ در خلیج فارس، استفاده وحشیانه نیروهای مشترک غرب از آخرین سلاح های مدرن و آمار بالای کشته شدگان این فاجعه (براساس اداره آمار آمریکا به بیش از ۲۵۰/۰۰۰ کشته عراقی بالغ می شود) به روشنی مفهوم "نظم نوین جهانی" را به نمایش گذارد. در حالیکه در دهه های گذشته بارها تجاوزات اسرائیل توسط سازمان ملل محکوم گردیده، کوچکترین حرکتی برای به

حتی پرنس چارلز، ولیعهد انگلیس در کنفرانسی که ماه پیش در لندن برگزار گردید در سخنرانیش پیرامون سوژه جنجال برانگیز از دید جمعیت جهان که موضوع گردهمایی ریو نیز بود، اشاره کرد: "ما قادر به کاهش نرخ ازدیاد جمعیت نخواهیم بود مگر اینکه راه حلی برای فقر پیدا کرده باشیم."

گردهمایی ریو پیرو اقدامات کنفرانس سال ۱۹۷۲ سازمان ملل در مورد محیط زیست که در استکهلم برگزار شده بود، تشکیل شده است. کنفرانس سال ۱۹۷۲ ضمن تعیین برنامه های خود مشوق تاسیس برخی سازمان های ملی محیط زیست و "کمسیون جهانی محیط زیست و توسعه" بود که در سال ۱۹۸۷ با انتشار گزارش "آینده مشترک ما" آغاز کار خود را اعلام نمود. یکی از تدوین کنندگان این گزارش، نخست وزیر نروژ اخیرا اعلام داشته بود: "باید درک کرد که کسی توانایی نجات محیط زیست را بدون تغییرات اساسی در برخی از عملکردهای پایه ای بشری از قبیل: شیوه زندگی مردم، شکلی که دولتها با هم همکاری می کنند، چگونگی کسب و تجارت، چگونگی تولید غذا، انرژی و میزان تولید مثل در نسل ما، نخواهد داشت. ما فراخوان تعریف مجدد حفاظت را که حفاظت محیط زیست نیز شامل آن باشد را داریم، ولیکن دریافته ایم در جهانی که ۱۰۰۰ میلیارد دلار و نصف امکانات تحقیقاتی خود را صرف مصارف نظامی می کند، هیچ توسعه متعادلی محتمل نخواهد بود. سند "آینده مشترک ما" پنج سال پیش انتشار یافت. رهبران بیش از صد کشور آن را مطالعه کردند و هیچ یک با منطق آن مخالفت نشان ندادند، حال نگرانی آور آن است موضوعاتی را که ما مطلقا اجتناب ناپذیر می دانستیم، نظیر اقتصاد بین المللی، یدهی، دمکراسی، مصونیت و ازدیاد جمعیت، بطور ناقص در ریو با آنها برخورد شود." بدبینی نخست وزیر نروژ می تواند نتیجه اظهار نظرهای غیر مسئولانه رهبرانی نظیر آقای میجر، نخست وزیر بریتانیا باشد که قبل از عزیمت به ریو دوژانبرو گفته بود: "ما در سال ۱۹۷۲ در استکهلم، کره زمین را نجات ندادیم و لذا در ریو نیز در سال ۱۹۹۲ قادر به این کار نخواهیم شد."

با این حال، در ریو شانس های واقعی وجود دارد که نمی توان آنها را دست کم گرفت. "دوستان زمین" می گویند: "برای اولین بار جوامع فقیر که می توانستند جهت تضعیف موقعیت دیگر کشورها از شرکت در گردهمایی خودداری کنند، در مذاکرات در ریو از نیروی قابل ملاحظه ای برای یک معامله برخوردار هستند. کشورهای ثروتمند با بی میلی متقبل خواهند شد که مبلغی پول اضافه بپردازند. اما این کمترین مبلغ ممکن خواهد بود که در ضمن آنها را از مسئولیت خود نیز رها نینداید."

رسد که مقاله نویسنده "کار" مدل خاصی از "دمکراسی" را در نظر دارد. مثلا اگر در کنگره سوم حزب چهار یا پنج پلاتفرم به صورت فی البداهه ارائه می شد و سپس هیچ کدام از آنها رای کافی نمی آورد و بعد بالاخره با استفاده از شیوه خواهش و تمنا و از زور خستگی و بحث های بی سرانجام سندی به تصویب می رسید که محتوی و جهت مشخصی نمی داشت کنگره حزب ما صد درصد دمکراتیک می بود.

اصولا مشخص نیست که چرا اتفاق آرا در تصویب یک سند حزبی "ضد دمکراتیک" و "یادگار استالین دیکتاتور" است. آیا تصویب مانیفست های انتخاباتی و یا برنامه های احزاب

و دوستانه با رفتای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هستیم و در این راه به سهم خود از هیچ کوششی فرو گذار نخواهیم کرد. از آنجا که مقاله منتشره در نشریه "کار" اتهامات ناروا و برچسب های زنده ای به همه توده ای ها زده است، پاسخ کوتاهی به آن ضرور می باشد.

مقاله "کنگره حزب توده" وحدت بر ضد دمکراسی" که قاعدتا با هدف نقد سومین کنگره حزب توده ایران نگاشته شده است، نه تنها کوچکترین برخوردی با موضوعات مورد بحث کنگره و اسناد مصوب آن نمی کند، بلکه تنها به فحاشی پیرامون تاریخ حزب، رهبری و اعضای

برخورد نظری با اندیشه های مخالف و پرداختن به مسائلی که خطوط اشتراک و یا افتراق نیروهای سیاسی در یک کشور را تعیین می کند، در صورتیکه در فضای دمکراتیک و تمدن انجام پذیرد، می تواند به رشد مناسبات اصولی و سالم بین نیروهای سیاسی یاری رساند.

پذیرش اصل عدم مداخله در امور سایر سازمانها و احترام متقابل به مبارزه و نظراتی که از جانب نیروهای سیاسی - مترقی در جامعه مطرح می گردد، از اصول اولیه ای است که برای موفقیت چنین روندی ضروری است.

در کشور ما، متأسفانه، بندرت می توان مواردی را یافت که چنین اصول مهمی در روابط بین سازمانها و احزاب سیاسی رعایت شده باشد. شیوه رایج، توهین، تهمت و در صورت امکان سرکوب فیزیکی طرف مقابل بوده است که به منحنی ترین شکل ممکن بروز کرده و چنین فضای مسمومی را بین این نیروها ایجاد کرده است.

اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که حزب ما در طول بیش از ۵۰ سال حیات سیاسی اش بیش از سایر نیروها مورد حمله قرار گرفته و در بسیاری از موارد با بردباری زیاد اتهامات زشت و ناروایی را تحمل کرده است. ما در سالهای اخیر آگاهانه تلاش کرده ایم تا از این طریق راه را برای ایجاد فضای مناسب تری در روابط با سایر نیروهای سیاسی کشور بگشاییم. ولی متأسفانه هنوز هستند نیروهایی که بدون در نظر گرفتن وظایف بفرنج و دشواری که بر دوش تک تک نیروهای ملی و آزادیخواه در مبارزه علیه رژیم "ولایت فقیه" قرار دارد، حزب ما را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار داده اند.

نشریه "کار" (ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)) از معدود نشریاتی بوده است که ماه های اخیر به صورت پیکیر در این عرصه تلاش کرده است.

ما بسیار متأسفیم که مسئله "مبارزه" با حزب توده ایران آنقدر برای مسؤلان نشریه "کار" عمده شده است که حتی مطلب یاد بود رفیق قفید صفری درج شده در این نشریه نیز به شکل زشت و توهین آمیزی برای این منظور مورد استفاده قرار گرفته است.

اخیرا نیز نشریه "کار" شماره ۳۴ با انتشار مقاله ای تحت عنوان "وحدت بر ضد دمکراسی" به این رویه نادرست خود ادامه داده است. این مقاله با زیر پا گذاردن اولیه ترین اصول اخلاقی - انسانی، حزب توده ایران و اعضا و هواداراناش را همطراز سران رژیم جمهوری اسلامی "دیکتاتور"، "ضد دمکرات"، "تا مفر استخوان مستبد"، "کهنه اندیش"، "خطا کار"، "یادگار استالین دیکتاتور"، صاحب "بدترین پرونده" و ... می خواند، بدون اینکه کوچکترین دلیل و منطق قابل قبولی برای این کار ارائه دهد.

ما صمیمانه امیدواریم که دست اندرکاران نشریه "کار" این رویه تجربه شده و نادرست را کنار گذاشته و در راه گسترش روحیه تفاهم و یکدلی مجموعه نیروهای ملی و میهنی بکوشند. ما، مانند گذشته همچنان خواهان روابط نزدیک

عقب ماندگی فرهنگی و فقر نظری

در پوششش "نوآندیشی"

سخنی با دست اندرکاران نشریه "کار"

سوسیال دمکرات و حتی دمکرات مسیحی که در مقطعی به اتفاق آرا صورت می گیرد عملکردی "استالینی" است؟

از آنجایی که نویسنده مقاله نشریه "کار" از چگونگی برگزاری سومین کنگره حزب توده ایران اظهار بی اطلاعی کرده و تنها به طرح سئوالاتی در کنار تهمت ها و فحاشی ها اکتفا کرده است اجازه دهید تا برخی نکات کلیدی پیرامون برگزاری کنگره سوم حزب را برای خوانندگان عزیز روشن سازیم:

تصمیم برگزاری سومین کنگره حزب توده ایران در پلنوم فروردین ماه ۱۳۶۹ اتخاذ گردید و هیئت اجرایی منتخب پلنوم موظف گردید تا این امر مهم را سازماندهی کند. در این زمینه در رهبری وقت حزب تفاوت نظرهای جدی وجود داشت که تا مدتها اشکالات مهمی را بر سر راه تدارک عملی کنگره ایجاد کرد. علیرغم این اختلاف نظرها، خواست وسیع اعضای حزب چه در داخل و چه در خارج از کشور، بدون چون و چرا، سومین کنگره حزب بود. این خواست در اظهار نظرهای کتبی، در نشست های محلی، منطقه ای و کنفرانس های سرتاسری منتخبین حزبی در خارج از کشور به شکل روشن و مشخصی نیز منعکس گردید. در تدارک این روند طرح های پیشنهادی در زمینه برنامه و اساسنامه نوین حزب بیش از یک سال قبل از برگزاری کنگره در "نامه مردم" به چاپ رسید و این امکان عملی ایجاد گردید که اعضا، هواداران و حتی افراد خارج از حزب بتوانند پیرامون این اسناد اظهار نظر کرده و یا حتی نظرات کاملا متفاوتی در شکل طرح های نوین ارائه دهند. انتشار ده شماره بولتن ویژه کنگره و برخورد نظرات مخالف و موافق و پیشنهادات انبوه اعضای حزب (در ۶۶ سند اصلاحی) این امکان را به کمیسیون تدارک کنگره داد که

حزب اکتفا کرده است.

برای آنکه خوانندگان از نزدیک با این شیوه "استدلال" نویسنده مقاله آشنا شوند، برخی از نکات اساسی آنرا در اینجا بازگو می کنیم. نویسنده مقاله می نویسد:

"رهبران حزب، بیش از چهل سال از برگزاری کنگره حزبی سرباز زدند و سرانجام نیز... آنچه که بنام کنگره سرهمبندی کردند قرباتی یا یک کنگره دمکراتیک نداشت.

ما اطلاع نداریم که در پشت کاست رهبری حزب توده چه گذشته و می گذرد. نه خود سران کنونی حزب می خواهند بگویند و می توانند به جنبش بگویند که برای تشکیل کنگره از چه سود جستند و نه متأسفانه معترضین و منتقدین ..."

خوانندگان عزیز اشتباه نمی کنند، نویسنده مقاله با اعتراف به اینکه اطلاع دقیقی پیرامون چگونگی برگزاری کنگره سوم حزب ندارد و بدون اینکه دلیلی ارائه دهد کنگره را "سرهمبندی" شده و "غیر دمکراتیک" می خواند. تمامی ناسزها و توهین های نویسنده بر این پایه استوار است که چون کنگره سوم بر اساس گزارشات منتشره پیرامون آن توانسته است "با اتفاق آرا" و "وحدت نظر" اسناد خود را به تصویب برساند، بنابراین نمی توانسته است در چارچوب دمکراتیکی برگزار شده باشد. البته براساس چنین منطق و متدولوژی در تحلیل می توان آسمان ریسمان را به هم بافت و دو سه "توطئه" و سناریو سینمایی برای مطلب بعدی نیز اضافه آورد. نکته ای که تذکر آن در اینجا ضرور می نماید، این است که معلوم نیست چه کس یا کسانی این اجازه را به مقاله نویس نشریه کار داده اند که برای اعضای حزب توده ایران تصمیم بگیرد که چگونه می بایستی کنگره "دمکراتیک" برگزار کرد. به نظر می

نگاهی به گزارش ...

کشور می کند. ۸۵٪ پناهنده های جهان در کشورهای فقیر زندگی می کنند. گزارش تاکید می کند: "بیش از ۷۰ میلیون نفر که عمدتاً از اهالی کشورهای در حال توسعه هستند، بصورت قانونی یا غیر قانونی و مخفیانه در خارج از وطن خود بکار مشغولند. بیش از یک میلیون نفر هر ساله مهاجرت می کنند و تقریباً به همین اندازه تقاضای پناهندگی می دهند."

این وضعیت یک سلسله عوارض عمیق بهمراه دارد. می توان گفت که در کشورهای جنوب (جهان سوم) بلت پایین ماندن سطح متوسط عمر، جمعیت هرچه بیشتر جوان و در کشورهای شمال (پیشرفته و ثروتمند) پیرتر می شود. در سال ۱۹۹۰ کشورهای پیشرفته ۲۳٪ جمعیت جهان را تشکیل می دادند، اما ۴۴٪ جمعیت بیشتر از ۶۰ سال داشتند. بر حسب برآورد سازمان ملل جمعیت جهان در سال ۲۰۲۵ برابر ۸/۵ میلیارد نفر خواهد شد. در این زمان نصف جمعیت اروپا بیشتر از ۴۵ سال خواهند داشت...

در نتیجه جمعیت کشورهای پیشرفته از

۲۳٪ به ۱۳٪ تنزل خواهد یافت.

پدیده شهر نشینی در کلیه قاره ها رشد خواهد کرد و عدم تعادل را زیاده تر خواهد نمود. گزارش اضافه می کند که "نزدیک به ۸۳٪ رشد کیفی (دموگرافیک) ده ساله آینده در مناطق شهری خواهد بود". و ادامه می دهد که "شهرها در کشورهایی که از رشد کیفی قوی برخوردارند بزرگ و بزرگتر خواهند شد. در زمینه مضل مسکن باید گفت که بهیچ وجه به میزان نیازهای مربوط به یک جمعیت کثیر پاسخ داده نمی شود. در فاصله ۱۹۸۹ - ۱۹۸۵ در کشورهای پیشرفته برای ۱۰۰ عائله جدید ۱۴۳ واحد مسکونی ساخته شد. ولی بلت قیمت بالای آنها، دسترسی کم درآمدها به این واحدهای مسکونی کم بود. در فاصله همین سالها در کشورهای در حال توسعه، از میان ۱۰۰ واحد مسکونی، ساکنان ۲۶ واحد مسکونی مجبور شدند که به دهها هزار مقيم حلی آبادها به پیوندند.

برای پی ریزی یک توسعه پایدار و کند کردن رشد کیفی و بی حساب شهرها، نویسندگان این گزارش توصیه می کنند که جامعه بین المللی برای دهه چهارم پیشرفت، استراتژی را باید بر محور انسان و انسانیت پی

ریزی نمایند و مستقیماً ققر را که یکی از اساسی ترین مضلات جامعه بشری است مورد هجوم قرار دهند. گزارش تاکید می کند که بهمین خاطر بطور مطلق باید عناصری را مورد توجه قرار داد که برای بهبود وضع بهداشت و تندرستی، تعلیم و تربیت و وضعیت زنان (خصوصاً ضمانت حق مالکیت، کار، تحصیل) بکار گرفته شوند.

این گزارش در حقیقت سند معتبری است که سیاستهای ۳۰ ساله اخیر دولتهای ثروتمند را که نقش انسان را در پیشرفت سیاسی - اقتصادی انکار می کنند، محکوم می نماید.

این بیلان نشان می دهد که سیاست دولتهای ثروتمند که بین خود و تهی دستان بقیه جهان یک نوع پرده آهنین بوجود آورده اند، تا چه اندازه مظلله آمیز و خطرناک است. گزارش نتیجه می گیرد که یک نظم واقعی جدید جهانی برپایه عدالت، صلح و توسعه هماهنگ ضروری است، وگرنه وضعیت موجود جهان می تواند بصورت انفجار آمیز تبدیل شده و موجودیت انسان را به خطر بیناندازد.

ترجمه و اقتباس از:
"اومانیت" (۱۶ ماه مه ۱۹۹۲)

در مجموع خودش سنت پرافتخاری است که می بایستی آن را پاس داشت. مبارزه رهبری حزب در طی دهه ها در زندان های رژیم شاه و سپس در سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی و ایستادن در برابر جوخه های مرگ در کنار هزاران مبارز دیگر، سنت پرافتخاری است که هرکس قلبش برای آزادی و رهایی میهنمان می طپد آنرا گرمی خواهد داشت. تاثیر عظیم معنوی این رهبری از طریق انتشار صدها کتاب، نوشته های فلسفی، اقتصادی و تاریخی و ترجمه گنجینه ای از آثار معتبر و کلاسیک جهان، در تاریخ کشور ما بی سابقه بوده است.

کوتاه سخن، مقاله نویس نشریه "کار" که ما را متهم به "کهنه اندیشی" می کند، به مبتذل ترین شکل ممکن و براساس نظریه مطرود "هرکس با مانیست برماست"، حزب ما را به خاطر نظرات متفاوت و برگزاری کنگره ای به شیوه دیگر از آنچه که مورد قبول اوست بدون کوچکترین منطقی به باد حمله و ناسزا می گیرد.

چنین شیوه و متدولوژی در برخورد با دگراندیشان تنها به مفهوم عقب ماندگی فرهنگی و قفر نظری کسانی است که به آن متوسل می شوند.

تصحیح و پوزش

در شماره ۳۷۶ "نامه مردم" در عنوان مقاله به جای «حاکمیت»، «دمکراتهای جمهوری خواه» و مقوله آزادی در جمهوری اسلامی» عنوان «حاکمیت جمهوری خواهان»؛
در شماره ۳۷۷ "نامه مردم" مقاله "بررسی کوتاهی از اوضاع اقتصادی ایران" در همان صفحه اول خط اول از پاراگراف اول اشتباه به جای دولت جمهوری اسلامی، دولت هاشمی رفسنجانی چاپ شده که بدین وسیله تصحیح می گردند.

طرح های جدید را براساس این نظرات تنظیم کرده و برای اظهارنظر به کنگره ارائه دهند. نمایندگان شرکت کننده در کنگره نیز براساس ضوابط و معیارهای تعیین شده در اساسنامه وقت حزب در سراسر کشورهای جهان انتخاب گردیدند. این روند به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای حزب، با توجه به همه مشکلات و تفاوت نظرها در درون رهبری وقت حزب سالم ترین و دمکراتیک ترین شکلی بود که سومین کنگره می توانست براساس آن تشکیل شود.

برخورد سالم و رفیقانه آرا در فضای کاملاً دمکراتیک کنگره، رای گیری برسر کلیه پندهای برنامه، اساسنامه و سند کارپایه که در بسیاری مواقع بسیار نزدیک به هم بود و سپس قبول نظر اکثریت و رای دادن به مجموعه اسناد در کنار شیوه کاملاً دمکراتیک انتخاب رهبری جدید حزب از طریق انتخاب کاندیداها با رای گیری مخفی، از دستاوردهای کنگره سوم حزب است که ما به آن می بالیم. تفاوت چشمگیر طرح های ارائه شده از جانب رهبری وقت حزب با اسنادی که به تصویب نمایندگان کنگره رسید تبلور مشارکت مستقیم، وسیع و دمکراتیک اعضا، هواداران و دوستان حزب در برگزاری سومین کنگره حزب ما می باشد.

اشکال دیگری که مقاله نویس نشریه "کار" در کار کنگره حزب پیدا کرده است این است که در اسناد کنگره از "راه و سنت پرافتخار رفقای کمیته مرکزی سابق" سخن رفته است در عین حالی که رهبری حزب خطاهای عظیم این سال ها (خصوصاً پس از انقلاب) را نیز کاملاً مسکوت گذاشته است.

حزب ما در کوران مبارزه سخت و دشوار

نگاهی

به گزارش سازمان ملل

در تاریخ ۲۹ آوریل امسال "لامین نه دیایه"، مسئول بخش جنوب آفریقای سازمان ملل گزارش سالانه این بخش را به یونسکو ارائه داد. نگاهی کوتاه به این گزارش، حقایق آماري دردناکی را در زمینه وضعیت مردم خصوصا در کشورهای جهان سوم آشکار می کند. ما در این نوشته سعی می کنیم گوشه هایی از این گزارش را مورد بررسی قرار دهیم.

گزارش درباره وضعیت عمومی جهان چنین می نویسد: "سه دهه تلاش و فعالیت در جهت توسعه، پیشرفتهای اقتصادی غیر قابل انکاری را بهمراه داشته است" و ادامه می دهد: "اگر چه افراد تهی دست از لحاظ نسبی تقلیل یافته اند ولی تعداد آنها هیچگاه مانند امروز رشد شتابان نداشته است".

مطابق برآورد سازمان ملل، درصد افراد تنگدست از ۵۲٪ (در سال ۱۹۷۰) به ۴۴٪ (در سال ۱۹۸۵) کاهش یافته، ولی تعداد واقعی تهی دستان از ۹۴۴ میلیون به ۱/۱۵۶ میلیارد نفر افزایش یافته است. یعنی در فاصله ۱۵ سال ۲۱۲ میلیون انسان به فقر محکوم گردیدند. باید توجه داشت که در سال ۱۹۷۰ تعداد جمعیت جهان ۴ میلیارد نفر بود. این تعداد در نیمه دوم سال ۱۹۹۲ به ۵/۴۸ میلیارد و در سال ۱۹۹۸ به ۶ میلیارد نفر خواهد رسید. لازم به ذکر است که فقر موجود، تمامی مناطق جهان، خصوصا آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا را دربر می گیرد.

پروسه فقر غذایی بطور قابل ملاحظه ای در جریان سالهای ۸۰ شتاب گرفت. در آفریقا تعداد افراد تهی دست از ۱۶۶ میلیون نفر (در سال ۱۹۷۰) به ۲۷۲ میلیون نفر (در سال ۱۹۹۰) رسیده است. در آمریکای لاتین این تعداد از ۱۳۰ میلیون به ۲۰۴ میلیون نفر (در سال ۱۹۹۰) رسیده که می تواند در سال ۲۰۰۰ به رقم ۲۳۲ میلیون برسد. در آسیا تعداد تهی دستان ۷۲۷ میلیون نفر ارزیابی می شود یعنی ۷۵ میلیون نفر بیشتر از آنچه که در سال ۱۹۷۰ بوده است.

درصد افرادی که از تغذیه ناکافی برخوردارند از ۲۷ درصد (در سال ۱۹۶۹) به ۲۱/۵ درصد (در سال ۱۹۸۳) کاهش یافته است. اما بطور همزمان تعداد آنها از ۴۶۰ میلیون گذشته و به ۵۱۲ میلیون نفر رسیده است. گزارش تاکید می کند: "تعداد افراد گرسنه در اواسط سالهای ۸۰، ۵۲ میلیون نفر

بیش از پایان سال ۶۰ بوده است". در سال ۱۹۹۰، ۱/۵ میلیارد نفر، به آب آشامیدنی و به شیوه های جدید درمانی دسترسی نداشتند. ۳۰۰ میلیون زن از شیوه های جدید زایمان بی بهره بودند. ۲/۳ میلیارد نفر از مردم جهان امکان استفاده از سیستم تخلیه فاضل آب را نداشتند.

نسبت افراد بیسواد در کشورهای در حال رشد از ۵۵٪ (در سال ۱۹۷۰) به ۳۹٪ (در سال ۱۹۸۵) تنزل یافته است. اما تعداد کل بیسوادان از ۸۴۲ میلیون به ۹۰۷ میلیون نفر افزایش یافته است. ارقامی که اخیرا از سوی یونسکو ارائه گردیده جای تردید را بجا می گذارد که تعداد بیسوادان در حاشیه شهرهای جنوب (کشورهای عقب افتاده)، جاییکه خانواده های تهیدست بیشتر و بیشتر به آنجا پناه می آورند، هنوز بیشتر از این می باشد.

در رابطه با عملکرد ثروت در گزارش چنین آمده است: "ثروت جهانی بصورت ناماهتک و غیر متعادل عمل می کند". در سال ۱۹۶۵، کشورهای ثروتمند ۷۰٪ و کشورهای جنوب ۱۹٪ مواد خام ملی را در سطح جهان عرضه می کردند. در سال ۱۹۸۹، این نسبت به ترتیب ۷۳٪ (برای کشورهای ثروتمند) و ۱۶٪ (برای کشورهای جنوب) بوده است. در طی این مدت نسبت جمعیت جهانی که در کشورهای جهان سوم زندگی می کردند از ۷۰٪ (در سال ۱۹۶۵) به ۷۸٪ (در سال ۱۹۹۰) افزایش یافت. تعداد پنهانندگان بین المللی از ۲/۸ میلیون (در سال ۱۹۷۶) به ۱۷/۳ میلیون نفر (در سال ۱۹۹۰) رشد یافت. البته باید توجه داشت که این تعداد فقط شامل آن دسته از پنهانگانی است که بصورت رسمی از طرف مراجع بین المللی بعنوان پنهاننده شناخته شده اند. جنگ، ترس از زجر و شکنجه و قسطی میلیونها انسان را مجبور به ترک محل زندگی و جابجا شدن در داخل یا خارج از مرزهای

ادامه در ص ۷

پیام همبستگی احزاب برادر به سومین کنگره حزب توده ایران

پیام همبستگی حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اکل)

به کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفقای عزیز!

کمیته مرکزی "اکل" به شما و از طریق شما گرم ترین درودهای خود را به اعضای حزب توده ایران و نمایندگان سومین کنگره حزب ابلاغ داشته و برای شما بهترین موفقیت ها در اجرای مصوبات سومین کنگره حزبتان را آرزو می کند.

برای "اکل" و مردم قبرس، مبارزه طولانی و دشوار حزب توده ایران علیه رژیم های استبدادی، برای دموکراسی، حقوق زحمتکشان، صلح و سوسیالیسم بسیار آشنا است.

ما اطمینان داریم که سومین کنگره شما گام تاریخی در گسترش و تداوم این مبارزه قهرمانانه خواهد بود.

ما از این فرصت استفاده کرده و از شما بخاطر همبستگی تان با مبارزات مردم قبرس علیه دخالت های امپریالیسم و نیروهای اشغالگر ترکیه که ۳۷٪ کشور ما را اشغال کرده اند، صمیمانه تشکر می کنیم.

زنده باد دوستی بین حزب توده ایران و اکل!

زنده باد دوستی بین مردم ایران و قبرس!

زنده باد صلح و سوسیالیسم!

زنده باد همبستگی جهانی!

کمیته مرکزی حزب مترقی زحمتکشان

قبرس (اکل)

کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

کمک مالی رسیده

۴۰ مارک

دوستی از برلین

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 378

June 23, 1992

نامه

مردم

بها: ۲۰ ریال

ADRESSE: 1- Postfach

100644

1000 Berlin 10